

راهکارهای توانمندسازی مدیران با تاثیر پذیری از دانش ادبیات

آذر امیری میجانی

مدیر مرکز یادگیری شکوفا مدیریت آموزش و پرورش شهرستان جیرفت

چکیده

این مقاله ضمن بررسی راه کارهای ارتقاء توان و تخصص مدیران در آموزش و پرورش و اعتقاد به أم الفنون بودن دانش ادبیات و جهت گیری از آن در خصوص توانمندسازی و تخصص مدیران تا حدود زیادی می تواند مثمر و ثمر باشد. با توجه به این که آموزش و پرورش یعنی احیاء حیات بشر و حفظ حقوق او در دنیا و آخرت و گذر از مرزهای عدم نیستی به مرحله وجود و هستی، بررسی پیشینه آموزش و پرورش در دنیا و نقش الگویی آن، هم چنین استفاده از دانش ادبیات که عبارت است از ادبیات اخلاقی، ادبیات مذهبی، ادبیات فرهنگی، ادبیات اقتصادی، ادبیات آموزشی و تعلیمی و در مجموع ادبیات خدمت؛ در قرآن کریم و سیره پیامبران الهی علی الخصوص سیره پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابیطالب (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت یعقوب (ع) و حضرت یوسف (ع) توان و تخصص مدیران را بالا برد. هم چنین به بررسی تأثیر توان و تخصص مدیران در فرایند توسعه و پیشرفت جامعه و ضرورت آن توان و تخصص در وجود مدیران، در آموزش و پرورش پرداخته است. توصیه که استفاده از نکات کلیدی منابعی چون کتاب خواجه حافظ شیرازی، شاهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه و مرزبان نامه، مثنوی مولانا و اشعار سنایی غزنوی در باب زمامداری و حکومت و مدیریت می تواند الگوی مدیران باشد.

واژه های کلیدی: ادبیات، توان، تخصص، مدیر، سیره پیامبران و امامان (ع).

مقدمه

در این مقدمه ابتدا لازم است به این نکته توجه شود که آموزش و پرورش یعنی احیاء حیات بشر و حفظ حقوق او در دنیا و کمال و سعادت بشر در آخرت و لازمه خدمت در چنین جایگاهی مطالعه مداوم و رصد مسائل به طور روزآمد و بالا بودن توان و تخصص مدیران از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

باتوجه به روند روبه رشد علم و فن آوری و تولید ابزارهای الکترونیکی فوق العاده و جهت گیری جامعه به این سمت و سو و همچنین فضای مجازی و غیره، ممکن است به صورت تدریجی مطالعه و تحقیق در منابع ارزشمند و کتاب های مفید کمرنگ شود و این خود معضل بزرگی جهت پیشرفت و توسعه هر جامعه ای می تواند باشد. در این مقاله سعی شده مسائل ارزنده ای از منابع بسیار مهم قانون الهی مثل قرآن و نهج البلاغه و سیره پیامبران و منابع ادبی دیگری که از اصالت فرهنگی هستند و به نوعی از علوم قرآنی در آثار خود بازتابی با ادبیات منظوم و ادبیات منثور را انعکاس داده اند معرفی شوند. از آن جایی که نویسنده مقاله اعتقاد دارد دانش ادبیات ام العلوم و ام الفنون است و علم دانش ادبیات لازمه مدیریت می باشد، سعی شده مقاله براساس ادبیات خدمت و زیر مجموعه های آن: ادبیات اخلاقی، ادبیات مذهبی و ادبیات تعلیمی و آموزشی، ادبیات فرهنگی و غیره تنظیم شود و اگر مدیران معیارهای کلی مدیریت را براین اساس به موازنه بگذارند و بسنجند، کل مدیریت یعنی ادبیات؛ و توان و تخصص هرمدیر بستگی به شناخت ادبی آن از این علم دارد که به طور مفصل در زمینه مقاله به آن پرداخته شده است.

در پایان از تمامی کسانی که علاقه مند به مطالعه هستند، اگر مقاله این حقیر را مطالعه فرمودند، با توجه به این که نویسنده مقاله اعتقاد دارد، هر پیشنهاد و هر انتقاد می تواند در پیشرفت انسان و جامعه مؤثر باشد، از نظر اخلاقی مدیون هستند که پیشنهادات و انتقادات خود را به سمع و نظر نویسنده برسانند.

پیشینه توان و تخصص معلمی و مدیریت در دنیا

دنیا وزارت خانه آموزش و پرورش بزرگی است که اولین مؤسس معلمش خدای بزرگ، دومین معلمش پیامبران الهی واز میان پیامبران، پیامبر اکرم(ص) و کتاب مقدس آموزشی و تربیتی این وزارت خانه بزرگ و آیین نامه جامع و کامل دنیوی و اخروی دائمی و همیشه به روز آن قرآن کریم را می باشد که هرچه زمان می گذرد جاذبه بیشتری پیدا می کند و هیچ علمی نیست که در قرآن مجید از آن پیش گویی نشده باشد. این امر را مفسران قرآن به خوبی دریافته اند و در تفسیر آیات قرآن برای بشریت به وضوح بیان داشته اند.

خدای بزرگ با بعثت پیامبر اکرم(ص) بر بشریت منت نهاد و در واقع به تأسیس آموزش و پرورش نوین پرداخت و با وجود شریف و مقدس پیامبر اکرم(ص) معلم تمام عیار و شایسته ای را به دنیا معرفی کرد و مبلغ ساخت، کتاب مقدس قرآن را به او آموخت تا بشریت را بدین وسیله احیاء کند و از تاریکی به روشنایی سوق دهد. اگر بخواهیم پیشینه تخصص معلمی و تخصص مدیریت را در دنیا بررسی کنیم سرگذشت و سیره پیامبران و علی الخصوص وجود پیامبر اکرم(ص) و علی بن ابیطالب (ع) کفایت می کند. باز اگر بخواهیم دنبال محکم ترین قوانین و اصول و ادبیات اخلاقی، ادبیات خدمتی، ادبیات مذهبی، ادبیات سیاسی و ادبیات

نویسنده، ادبیات خلاق در مدیریت باشیم، قرآن کریم بزرگترین راهنما و راه گشای بشریت است. ولذا کسانی که دنبال چیز دیگری به غیر از این هستند، حقیقت را ندیده اند و دچار توهم هستند، چنان که خواجه شیراز بیان کرده است:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بده چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

«... ستفترق امتی علی ثلاثه و سبعین فرقه؛ امت من هفتاد و سه فرقه خواهند شد».

جهت بررسی پیشینه مدیریت در دنیا و بررسی آن در سیره پیامبران الهی راه و روش مدیریتی صحیح را باید در سیره آنان جستجو کرد. ادبیات اخلاقی، ادبیات سیاسی، ادبیات اقتصادی و ادبیات فرهنگی، ادبیات منطقی و ادبیات آموزشی تمامی اولیاء خدا به عنوان الگوی جوامع اسلامی علی الخصوص مدیران نهادهای این جوامع باید باشد. سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و آزمون آن در قربانی فرزندش برای مدیران جهت وقت گذاشتن و صبر کردن بزرگترین الگو است، که با انتصاب مدیریت بیشتر به قانون الهی بیندیشد نه به منافع شخصی.

سرگذشت حضرت یعقوب(ع) و گم شدن فرزندش الگوی سعه صدر برای مدیران است. حضرت یوسف(ع) با ادبیات اخلاقی و با ادبیات فرهنگی و با ادبیات اقتصادی و با ادبیات منطقی و آموزشی خودش برای الگو بودن مدیریت در جوامع اسلامی بزرگترین سمبل و زیباترین پیام ها را دارد.

ادبیات مدیریت امکانات و منابع؛ در زمان خشک سالی در سرزمین مصر توسط حضرت یوسف(ع) بزرگترین الگوی مدیران جوامع اسلامی در زمان کمبود امکانات و مشکلات اقتصادی، سیاسی، مذهبی، اخلاقی و غیره می باشد. از میان پیامبران الهی دوفرد از آن ها مدیریت الگویی برای ما، در زمان کمبودها و مشکلات اقتصادی را دارند، یکی حضرت یوسف(ع) در مصر و دوم حضرت محمد(ص) محاصره اقتصادی در شعب ابطالب.

اگر بخواهیم به نقش الگویی و باز کردن آن نقش در زندگی و در زمان مدیریت تمامی پیامبران بپردازیم، هزاران و میلیون ها نسخه و نوشته لازم است که در حوصله این مقاله نمی گنجد. در این مقاله فقط نقش الگویی پیامبر اکرم(ص) و نقش الگویی علی بن ابطالب(ع) در مدیریت را بررسی می کنیم.

پیامبر اکرم(ص) بعد از سال ها حکومت و مدیریت و آموزش و هدایت در دنیا گروه کثیری را جذب اسلام کرد و امت اسلامی را تشکیل داد و پایه های اساسی اسلام و مسلمین را از نظر نیروی انسانی متعهد و کارآمد استحکام بخشید و تربیت نمود. از میان تربیت یافتگان مکتب الهی و سیره خود حضرت علی بن ابطالب(ع) را به عنوان مدیر و پیشوای مسلمانان جهان در واقعه غدیر انتصاب نمود؛ که با این وسیله بتواند الگویی را به جامعه بشریت معرفی نماید تا جوامع اسلامی با استفاده از سیره آن امام همام در امور مدیریتی و مدیریت لایق و کارآمد نمایند و منابع انسانی و منابع امکانات دیگر را در اختیار آن ها قرار دهند؛ تا آن مدیران بتوانند برای حفظ و توسعه و گسترش ادبیات اخلاقی و مذهبی و ادبیات فرهنگی و ادبیات اقتصادی و غیره در چهارچوب موازین اسلامی و خواستگاه قانونی گام بردارند.

منظور از ادبیات اخلاقی و مذهبی همان آیه قرآن کریم است که می فرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ. (سوره جمعه، آیه 2). او کسی است که در میان مردم اُمّی رسولی را از خودشان مبعوث کرد تا آیات او را بر آن ها بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آن ها بیاموزد. در باب ادبیات آموزشی، سوره علق و آیه 9 سوره زمر مصداق است. بهترین شاهد بر عنایت فوق العاده اسلام به تعلیم و تعلّم سوره علق و آیه اَلَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. و قلم را مظهر سواد و نوشتن معرفی می کند. آیه 9 سوره زمر: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان هستند و همچنین حدیثی از پیامبر اکرم(ص) که فرموده است: بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ، من فرستاده شدم برای تعلیم. (بخار، ج 1/ ص 206 به نقل از مطهری، چاپ هفتاد و دوم، 1390، ص 22)

آیات و احادیث زیادی وجود دارد که در این جا در باب ادبیات آموزشی و مذهبی به همین مقدار بسنده می کنیم.

* در باب توان و تخصص در ادبیات فرهنگی، خدمت عظیم پیامبر اکرم(ص) در دعوت به دین اسلام و لحن و بیان آن مکرم در انجام این رسالت الهی و سعه صدر او در برابر سختی ها و مصائب و مشکلات؛ بزرگترین الگوی مدیران در انجام امور فرهنگی و ادبیات یابرخورد مدیران در هدایت نیروی انسانی می باشد.

* در باب ادبیات اخلاقی و مذهبی و فرهنگی مدیران؛ الگوی جامع و بزرگ دیگری نیز می تواند تعهد و تخصص مدیران را بالا ببرد، منشور اخلاقی اهدایی از سوی امیرمؤمنان به مالک اشتر می باشد که بزرگترین سرمایه اخلاقی مدیران در جوامع اسلامی به حساب می آید.

هرچه در اخلاق و سیره پیامبر اکرم(ص) و علی بن ابیطالب جستجو و تحقیق کنیم روزه روز توان و تخصص ما در امر مدیریت بالاتر خواهد رفت و به تمام نکات دست رسی پیدا خواهیم کرد.

در ادبیات اقتصادی و مدیریت منابع مالی و اقتصادی؛ روش علی بن ابیطالب(ع) نیز بزرگترین الگو می باشد. زیرا علی بن ابیطالب(ع) خودش به حفر چاه می پرداخت و با کشاورزی باعث رونق اقتصادی در آن زمان می شد. در حفظ اموال بیت المال حساسیت بسیاری داشته است. که داستان برادرش و آهن گداخته بزرگترین الگوی ماندگار برای نسل های جوامع اسلامی به شمار می آید.

انشاءالله همه توفیق رعایت این موازین را پیدا کنند.

تأثیر ابعاد ادبیات شناختی مدیران در تخصص و توان آن ها

موضوع فوق از اهمیت و جایگاه بسیار خاص و والایی در آموزش و پرورش برخوردار است؛ چراکه آموزش و پرورش یعنی احیاء حیات بشر و حفظ حقوق او در دنیا و گذر از مرزهای عدم نیستی به مرحله وجود و هستی و اوج کمالات انسانی. منظور از عدم نیستی یعنی آغاز آموزش رسمی و فراگیری دانش و گسترش آن در راه کمال و سعادت هرفرد در هر جامعه ای، در آموزش و پرورش تحت نظرمدیران کارآمد و متخصص صورت می پذیرد.

سواد و فراگیری خواندن و نوشتن و کاربرد آن در زندگی نقشه راه پیشرفت هر فرد در دنیا محسوب می شود. ناگفته نباشد که سواد تنها در خواندن و نوشتن خلاصه نمی شود؛ بلکه سواد یعنی چاره اندیشی های لازم در موقعیت های مختلف زندگی بعد

از کسب دانش فنی آن می باشد. لذا فراگیری سواد همراه با فنونش در آموزش و پرورش میسر است و هیچ نهادی به غیر از آموزش و پرورش مجوز این امر را ندارد. البته دنیا محل و مکان یادگیری است و دنیا آموزشگاه عمومی می باشد. ولی آموزش و پرورش آموزشگاه فنی و تخصصی انسان سازی و انسان پروری می باشد که انسان را به شناخت می رساند و این خود انسان است که با توجه به شناخت حاصل از سواد در آموزش و پرورش می تواند نقشه راه کمال و سعادت خود را ترسیم نماید. از این باب انسان موجودی است دارای اراده و اختیار که می تواند بر سر دوراهی قرار گیرد و انتخاب مسیر نماید.

همگان باید بدانند وقتی دنیا آموزشگاه عمومی است؛ اشخاصی که مسئولیت تکفل و سرپرستی گروه دیگری را برعهده دارند از جمله پدران، مادران، کفیلان، مدیران و غیره همگی آگاه باشند که آموزه های صحیح دنیا را برای زیردستان خود تشریح کنند و آموزه های غیر صحیح، غیر انسانی و غیر اخلاقی را به گروه تحت سرپرستی خود بشناسانند؛ مثلاً در جهان امروز و در دنیای امروز شرایط و امکانات باعث معضلاتی شده است، که ممکن است تبعات جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد.

از جمله معضل بزرگ دنیای امروز تهاجم فرهنگی امر تخریب را از طریق فضای مجازی، تلفن همراه، کامپیوتر، اینترنت، ماهواره و وسایل پیشرفته الکترونیکی دنبال کرده است. اگر خانواده ها و سرپرستان کودکان و نوجوانان مواظب فرزندان خود نباشند؛ نظاره گر مشکلات زیادی خواهند بود که جبران آن برای آن ها امکان پذیر نخواهد بود. زیرا ماهواره و سایر امکاناتی که در خانواده و جامعه؛ فرزندان آن ها استفاده می کنند برای آن ها مضر است؛ و به شکل سرطان در حال تخریب و نابودی فرزندان آن ها می باشد ولی خودشان متوجه نیستند، تهاجم فرهنگی امروز هم سفره، خانواده ها است؛ باید با روحیه جهادی با آن مقابله شود و جنگ سخت افزاری نیست؛ بلکه بصورت نرم افزاری می باشد و همگان باید خانه های خود را به صورت سنگر آماده کنند و در خانه خود به جبهه و نبرد با تهاجم فرهنگی و مضرات فضای مجازی بپردازند و به این صورت فضای آموزش عمومی جامعه پالایش می شود.

فضای آموزش عمومی جامعه در بحث تهاجم فرهنگی کار عظیم تعلیم و تربیت را در آموزش و پرورش سخت تر کرده است و امروزه مدیران و معلمان وظیفه سنگین تری را برعهده دارند تا علاوه بر آموزش کودکان و نوجوانان؛ خانواده ها را نیز بیش از پیش باید آموزش دهند.

آنچه در بالا گفته شد باتوجه به جایگاه حساس مدیریت در آموزش و پرورش و همچنین دغدغه های نظام تعلیم و تربیت است؛ که همه مدیران به خوبی به این مسائل اشراف دارند؛ چاره اندیشی لازم را نیز سرلوحه کار خود قرار می دهند. و مدیران جایگاه حساس خودشان را می شناسند و ادبیات آن را رعایت می کنند جامعه را به سوی تعالی سوق می دهند.

ابعاد ادبیات شناختی مدیران در آموزش و پرورش به چند زیر مجموعه تقسیم می شود:

* شناخت ادبیات خدمت

* شناخت ادبیات اخلاقی، مذهبی، فرهنگی

* شناخت ادبیات اجتماعی، اقتصادی

* شناخت ادبیات فنی و تخصصی کارآمد

* ادبیات خدمت: هرمدیر باید بداند که در چه جایگاهی قرار دارد؛ وظیفه اش چیست و چگونه باید باشد و خدمت او چه نفع و ضرری دارد و در برخورد با مسائل چگونه باید باشد و اهداف سازمان خود را بشناسد، و گستره خدمت را به خوبی بداند و در چهارچوب قانون و آیین نامه های موجود حرکت نماید. روح اعتماد، تعهد، تخصص و خلاقیت خود را در ضمیر زبردستان خود و گروه تحت سرپرستی خود پرورش دهد.

* ادبیات اخلاقی و مذهبی و فرهنگی: در قسمت پیشینه در مبحث گذشته پیرامون ادبیات اخلاقی و مذهبی و فرهنگی الگوهایی را معرفی کردیم. اما آنچه در این جا، مدنظر می باشد، بُعد پرورشی و برنامه های تربیتی و میزان تعهد مدیر به مسائل تربیتی مدنظر می باشد، بُعد پرورشی و برنامه های تربیتی و میزان تعهد مدیر به مسائل تربیتی مدنظر می باشد. هرمدیر باید مسائل فرهنگی نماز، قرآن و اصالت های فرهنگی را به مجموعه خود مرتب بشناسد و از همه نیروی انسانی معلمان و زبردستان و دانش آموزان در این خصوص کمک بگیرد. مثلاً در امر نماز همه باید باهم به مدیر کمک کنند، در امر آموزش قرآن همگان باید اهتمام ورزند، در باب تذکر ایام الله نه تنها مدیر بلکه همه معلمان باید کمک یار مدیر باشند. یک مدیر خلاق و توانمند کسی است که در تمام زمینه های فوق از معلمان کمک بگیرد و تنها نباشد. مسئولیت خود را در این راستا باید بشناسد و گستره آن را رصد نماید. علاوه بر الگوهای دینی و مذهبی مثل قرآن و پیامبران در گذشته منابعی بودند که مردم آن ها را در پنجره اتاق خود در کنار قرآن می گذاشتند و از نکات اخلاقی آن ها استفاده می کردند و به هدایت بشر می پرداختند، و برای تربیت فرزندان خود و اداره امور زمامداری و حکومتی از راه کارهای آن منابع نیز استفاده می کردند، این منابع عبارتند از: کتاب حافظ، کتاب شاهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه و مرزبان نامه. این منابع بسیاری از نکات اخلاقی و مدیریتی را برای مدیران به ارمان می آورند. نکات بسیار زیبایی در مثنوی مولانا نهفته است، سنایی غزنوی در اشعار خود درس تخصصی به مدیران می دهد.

ادبیات اجتماعی و اقتصادی:

داشتن روابط عمومی قوی می تواند راه گشای خوبی برای مدیران باشد که در برخورد با رفتارهای گوناگون مراجعان و زبردستان هر چیزی را به جا و به موقع پاسخ دهند؛ تا برنامه های کاری آنها با بی اعتمادی و چالش مواجه نشوند. و در ادبیات اقتصادی یعنی منابع و امکاناتی را که در اختیار دارد طبق سرفصل های موجود و تعیین شده و در چهارچوب ضوابط به کار ببرند. مثلاً سرانه دانش آموزی نباید صرف خرید تجهیزات شود و یا بالعکس سرانه پرورشی نباید صرف خرید امکانات دیگری به غیر از پرورشی شود. در یک نکته باید گفت ادبیات اقتصادی یعنی مدیریت منابع مالی و امکانات و تجهیزات تحت تصدی مدیر در خدمت به گروه تخصیص داده شده و نگهداری از اموال بیت المال جلوگیری از اسراف و تبذیر و همچنین استفاده از روش ساده زیستی و مقابله و دوری از تجمل پرستی میزآرایی، پُست پرستی.

ادبیات فنی و تخصصی کارآمد: آن دسته از فنونی هستند که مدیران در آموزش و پرورش یا بصورت اکتسابی به دست آورده اند و یا به صورت خدادادی این فنون تخصصی را خداوند در وجودشان به ودیعه گذاشته است. کسانی که از نعمت فن و تخصص چه اکتسابی و چه خدادادی برخوردار هستند؛ همواره خدمت شان همراه با موفقیت می باشد. زیرا با استفاده از فنون و تخصصی که دارند از تمام ظرفیت های موجود در زیرمجموعه خود استفاده می کنند و هیچ گاه خودشان را تنها احساس نمی کنند.

مشورت بزرگترین فن است که می تواند همیار مدیر باشد، استفاده از راه کارهای مشارکتی معلمان، دانش آموزان و اولیاء می تواند نیز همیاران بزرگی دیگر برای مدیر باشند، البته اگر مدیر بتواند، اعتماد همه زیرمجموعه را جلب کند با علم و ادبیات اخلاقی تأثیر زیادی را می تواند بر زیر مجموعه خود بگذارد و ادبیات فنی تخصصی اعتقاد دارد که اگر مجموعه ای نسبت به مدیر خود به این باور برسد که مدیر متخصص است قطعه الگوپذیری محبوبیت مدیر بیشتر خواهد شد.

بعضی از خصوصیات ادبیات شناختی مدیران توانمند و متخصص

1- خودشناسی و خردورزی

2- سعه صدر بالا و خلق و خوی نیک

3- اقتدار و شجاعت

4- تعهد و پابندی به ارزش ها و هنجارها

5- مشورت و استفاده از روشهای مدیریت مشارکتی

6- دانش حرفه ای بالا و کارا، جویای انتقاد و درخواست پیشنهاد در رفع مشکلات

7- دانش ادبی و فرهنگی و روابط عمومی بسیار خوب، مهربانی و خوش برخوردی، احترام به زیرمجموعه و مافوق

8- عدم انتقام جویی و دمدمی مزاج بودن

9- اول سعی کند بیشتر از دیگران، بیاموزد و بعد خودش به دیگران بیاموزاند. (خودآموزی و دیگرآموزی)

10- عدم ارتباط عمودی بازبردستان و باید ارتباط را افقی کند و در کیفی سازی مدیریتش گام بردارد نه با قدرت تحمیلی؛ خودش را از گروه زیرمجموعه خود بداند نه تافته جدا بافته و قدرت طلب.

11- داشتن دانش حرفه ای نسبت به کاری که به او محول شده است.

12- بروز بودن اطلاعات، سوادبالا

13- شکارچی لحظه ها در موقعیت های مختلف بوجود آمده در زیرمجموعه. رفع چالش ها و دریافت نکته ها، تشویق به موقع فراگیران و روانشناس به تمام معنا و مسلط به ادبیات روانشناسی.

14- مطالعه مستمر، تحقیق و تفحص در امور مربوط به خودش

15- استفاده از روشهای نوین مدیریتی، با استفاده از مطالعه راهکارهای مدیران خلاق دیگر.

16- عدم استفاده ابزاری از منابع انسانی، منابع انسانی را با ابزار اشتباه نگیرد زیرا منابع انسانی می توانند کمک بزرگی به مدیر کنند. همیشه سعی نکنند بیاموزد به آن ها خودش اعمال نظر کند؛ بلکه از توان و تخصص زیردستان بنابر توان حرفه ای آنان کمک بگیرد.

17- پژوهشگر و محقق باشد.

تأثیر توان و تخصص مدیران در فرایند توسعه و پیشرفت جامعه

بنابر فرمایش صاحب نظران توسعه منابع انسانی یکی از ارکان اساسی مباحث توسعه در همه بخش ها محسوب می شود، لذا صاحب نظران و کارشناسان توجه بیشتری به نیروی انسانی و تلاش برای ایجاد تحول فکری و فرهنگی را به عنون ضرورتی انکارناپذیر و از پیش نیازهای حرکت به سوی توسعه تلقی می کنند. در واقع این باور بیانگر این است که اشتغال مولد و کار نیروی انسانی، شاهد توسعه اقتصادی چشمگیر در کشورهای پیشرفته می باشد. (رنجبر و علیزاده، 1382، ص 45 به نقل از کار بخش و تویسرکانی، 88، ص 17).

اهمیت سرمایه انسانی تابدین حد مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته که آن را به منزله اصلی ترین ثروت یک جامعه قلمداد کرده اند. به همین جهت سرمایه گذاری در بعد سرمایه انسانی طبق نظریه توسعه انسانی ضروری است؛ زیرا باعث ارتقای کیفیت جامعه که نقش مؤثری در توسعه دارد، می گردد.

(فصیحی، 1383، ص 62، به نقل از نراقی، 1380، ص 129، 141)

در دهه 1960 جایگاه و نقش نیروی انسانی یا سرمایه انسانی خصوصاً نیروی انسانی ماهر و متخصص در فرایند و جریان توسعه مورد توجه دانشمندان توسعه همانند شولتر و به دنبال او بکر مورد توجه و دقت قرار گرفت. این اندیشمندان معتقدند که نیروی انسانی ماهر و متخصص مهم ترین و اساسی ترین عامل توسعه و پیشرفت محسوب می شود. (نراقی، 1380، ص 233)

اساس توسعه همان سرمایه انسانی است. پس کشورهایی که مشکل دارند باید مشکل را در این حوزه جست و جو کنند و راه حل را در همین حوزه بیابند و این موضوع اهمیت سرمایه انسانی در پیشرفت و توسعه هر کشور را در بر می گیرد. (عظیمی، 1382، ص 54)

ضرورت توسعه و توان مدیران در آموزش و پرورش

از آن جایی که سنگ بنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه آموزش و پرورش می باشد. تحقیقات و بررسی ها عوامل توسعه و پیشرفت جوامع بشری را در داشتن آموزش و پرورش کارآمد و توانمند می دانند و معرفی می کنند. آموزش و پرورش کارآمد و توانمند و پویا هرگز بدون انسان های رشدیافته و آگاه و توانمند ممکن نیست. بنابراین برای دستیابی به آموزش

و پرورش پویا وزنده که بتواند در دنیای امروز بر تربیت انسان های شایسته و توسعه یافته همت گمارد و ما را با تغییرات سریع علمی و فن آوری روز هماهنگ سازد، لذا نیازمند نیروهای فرهیخته، توانمند و خلاق هستیم.

مدیران مدارس از نیروهای تأثیرگذار در آموزش و پرورش هستند. که به عنوان عامل تحولات اساسی در این بخش قلمداد می شوند. اگرچه در هر سازمان مدیر نقش مهم و اساسی را برعهده دارد، اما مدیریت در آموزش و پرورش بسیار حساس و پراهمیت بوده و از جایگاه ویژه ای برخوردار است. صاحب نظران عقیده دارند: اگرما آموزش و پرورش را یکی از اصلی ترین عوامل پیشرفت هر جامعه ای بدانیم، مدیریت یک مدرسه نیز با همان منطق جایگاه مهمی در بهسازی و توسعه آن جامعه دارد. (جمالی، 1377 به نقل از کاربخش و تویسرکانی، 1388، ص 18)

تحقیقات نشان می دهد: مدیر مدرسه در بهبود مدرسه و تدریس و آموزش و یادگیری که در مدرسه جاری است مهم ترین نقش و تأثیر را دارد. (پرداختچی، 1381، ص 12 به نقل از کاربخش و تویسرکانی، 1388، ص 19)

شعاری نژاد (1375) مدیر مدرسه را به کارگردان سینما تشبیه کرده است که در امر موفقیت آموزشگاه مسئولیت بیشتری دارد. (شیخ نظامی، 1380، ص 61 به نقل از سیدعباس زاده، 1372)

این در حالی است که مطالعات نشان داده است، معلمان بیشترین تأثیرپذیری را از مدیرانی دارند که از «نیروی تخصص» برخوردارند؛ و از آنجا که تعبیر ساده تر آن همان شایستگی است. معلمان هرگز تحت تأثیر قدرت تنبیهی مدیر، موقعیت سیاسی، اجتماعی مدیر و یا حتی قدرت تشویقی او قرار نمی گیرند. تنها چیزی که به شدت آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد، این برداشت است که مدیر یک متخصص است؛ شایستگی مدیریت را دارد و از عهده اداره امور بر می آید.

والتراولمر معتقد است که رهبران هنگامی می توانند به هدف های موردنظر خود نایل شوند که علاوه بر تخصص، با حفظ موازین اخلاقی، نظر و حمایت افراد تحت سرپرستی خود را جلب نمایند. او توضیح می دهد که: رهبری فعالیتی است فرایندی و تأثیرگذار که در آن رهبر، اعتماد و رضایت متعهدانه سایرین را جلب می کند و بدون تشبث به موقعیت رسمی یا قانونی خود، گروه را به انجام فعالیت های مورد نظر ترغیب می نماید. در واقع نفوذ رهبران، علاوه بر تخصص و شایستگی شان، محصول یکپارچگی شخصیتی آنان است که با رفتارهای برخاسته از آن، اعتماد دیگران را جلب می کنند. مدرسه قطعاً یکی از ساختارهایی است که بیش از هر جای دیگر مستوجب رهبری اخلاقی است. (فقیهی، 1376، صص 26 و 27)

نتیجه گیری

توان و تخصص مدیران در آموزش و پرورش از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است با توجه به نقش اساسی آموزش و پرورش در احیاء حیات بشر و حفظ حقوق او در دنیا و سعادت و کمال اخروی او، ضرورت دارد؛ مدیران ابتدا با استفاده از آموزه های قرآن و نهج البلاغه و سیره پیامبران و امامان سازمان و مجموعه تحت تصدی خود را هدایت و راهنمایی کنند و سپس با شناخت ادبیات خدمت و زیرمجموعه های آن، ادبیات اخلاقی، ادبیات فرهنگی و مذهبی و اقتصادی و غیره، توان فنی و حرفه ای خود را بالا ببرند. مدیران باید به این مهم توجه داشته باشند که، توان و تخصص آن ها در پیشرفت و توسعه جامعه نقش به سزایی را دارد. در

مدیریت علاوه برالگو واسوه قراردادن آموزه های دینی و اخلاق رهبران دینی و مذهبی و فرهنگی در قرآن و نهج البلاغه، به شناخت الگوهای دیگر در امور مدیریت از طریق مطالعه در آثار حافظ شیرازی، بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه، مرزبان نامه، مثنوی مولانا، شاهنامه فردوسی و غیره بپردازند و با استفاده از دانش بالا به توان و تخصص ادبیات مدیریتی خود بیفزایند و آن را تقویت نمایند. در ادبیات بسیاری از نویسندگان و شاعران از آیات قرآن و حدیث و روایات پیامبران در کتب و تألیفات خود اقتباس کرده اند به این طریق از لحاظ زیباشناسی سخن خود را عمیق و ارزنده کرده اند و مدیران با مطالعه آثار آن ها می توانند ذائقه دانش ادبی و علمی خود را نیز تقویت نمایند.

منابع و مأخذ

- 1) قرآن
- 2) نهج البلاغه
- 3) تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری [ویرایش 2]، تهران صدرا، 1382، چاپ هفتاد و دوم
- 4) مجموعه مقاله های برتر اولین همایش کیفیت بخشی به برنامه های آموزشی، کرمان، سازمان آموزش و پرورش استان، معاونت آموزش و نوآوری، 1388. فاطمه تویسرکانی راوری، مقاله ماشاءالله کاربخش راوری.
- 5) فصیمی، امان الله: ضرورت بازگشت و نقش معلمان در توسعه و پیشرفت، مجموعه مقالات نخستین همایش (سمینار) سراسری (معلم بازگشت و انتظارات) مجمع معلمان افغانستان، انتشارات مشهور، قم، 1383.
- 6) نراقی، یوسف، جامعه شناسی توسعه، چاپ اول، نشر فروزان، تهران، 1380.
- 7) حسین - عظیمی: ایران امروز در آینه مباحث توسعه، چاپ دوم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1382.
- 8) جمالی، عیسی، مدیریت خلاق در مدرسه، انتشارات آوای نور، تهران، 1377.
- 9) فقیهی، فاطمه: رهبری مدرسه در راه اعتلای مدرسه، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 36، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- 10) پرداختچی، محمدحسین: مقاله مدرسه محوری، تواناسازی و پاسخگویی لازمه هرگونه اصلاحات در آموزش و پرورش، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، بهار و تابستان، 1381، شماره مسلسل 29-30.